

مدینه فاضله فارابی

تاریخ فلاسفه اسلام

مؤلفان قدیم کتاب یا رساله بخصوصی بنام (مدینه فاضله) از فارابی ندانند، ابن طفیل (۱) در ایراد و نقدی که بر فلسفه وی گرفت کتابی به این اسم از

۱ - ابن طفیل در اوایل قرن ۱۲ میلادی متولد شد و در ۱۱۸۵ میلادی وفات کرد، فیلسوف و پزشک نامی اسلامی و اندلسی بود، تألیفات بسیار دارد مشهورترین تألیفات او رساله (حی بن یقظان) است که شادروان استاد فروزانفر آن را بنام «زنده بیدار» ترجمه کرد استاد از چاپ احمد امین مؤلف و استاد نامی مصری استفاده نمود، این کتاب در اسرار حکمت مشرق گفتگو می کند فیلسوف اندلسی فلسفه را بصورت داستان در آورده، تعریف می کند که یک نفر بیکتا پرست در جزیره ای خالی از جمعیت می-زیست، کم کم بدرجات عالی معرفت نفس رسید. از محسوس به معقول، از جزئی به کلی از بسیط به مرکب، از عرض به جوهر، از معلول به علت رسید تا به آنجا که حقیقت همه چیز را شناخت، علت و اسباب آنها را دانست، علت علتها یا علت نخستین را دانست، اروپا داستان «حی بن یقظان» را از قرن هفدهم میلادی دانست و بزبانهای مختلف ترجمه شد از جمله عبری، لاتینی، انگلیسی، آلمانی و هلندی.

او داند . ابن قفطی « گوید : فارابی دو کتاب در این باره دارد ۱ - سیاست مدنی ۲ - سیاست مدینه .

یکی از بزرگان تاریخ فلاسفه نقل کرد که سیاست مدنی از فصل های کتاب «مبادی موجوده» اوست .

استاد مونك (۲) در کتاب فلسفه اسلامی و عبری، گوید :

ابن میمون فیلسوف مشهور یهود کتابی را بنام « مبادی موجوده» از فارابی یاد آور شده است ، برای یکی از هم صحبتان خود نوشت کتابی را در علم منطق نخواند مگر آنچه را که فارابی در این باره تألیف نمود .
 بخصوص کتاب مبادی موجوده او را درست درس بخواند بنا بر آنچه تحقیق

۱- جمال الدین قفطی مصری وزیر حلب از دانشمندان تاریخ بشمار می رود و در ۵۶۸ متولد شد ، از تألیفات مهم او کتاب « تاریخ الحکماء یا اخبار العلماء یا اخبار الحکما شرح احوال حکماء و فلاسفه علماء ملل و مؤلفات آنان است ، شهرت ابن قفطی بیشتر بوسیله این کتاب است ، این کتاب در مصر و لیبزیک آلمان چاپ شده ، بیشتر مندرجات آن از « الفهرست» ابن ندیم اقتباس شده است ، کتاب تاریخ الحکماء اشتباه های تاریخی دارد ولی وجود این کتاب کمک زیادی بتاریخ می کند که اشتباه در آن قابل توجه نیست . در زمان صفویه این کتاب بفارسی ترجمه شد ولی خوب ترجمه نشده است . آقای آقاسید جلال الدین تهرانی صاحب گاهنامه «چند جلد چاپ تهران» کتاب را بدون تصرف ترجمه کرده و بنقل فارسی در آورده است . وفات ابن قفطی در ۶۴۶ هجری اتفاق افتاد .

۲ - مونك « ۱۸۰۵-۱۸۶۷ م » اصلا آلمانی است ، شهرت ، اقامت و وفات وی در فرانسه است ، تحقیقاتی در فلسفه فارابی ابن رشد - ابن سینا و کندی دارد در معجم علوم فلسفه فرنك و مجله آسیایی همان تحقیقات تاریخی و فلسفی فلاسفه اسلام را مفضل نوشت ، کتاب « دلیل الحائزین» موسی بن میمون فیلسوف بنام یهود را با متن عبری و ترجمه فرانسه در ۳ جلد در سال (۱۸۵۶) چاپ کرد . انواع فلسفه اسلامی و یهودی را در شصده صفحه با قسمتی از ترجمه عبری آن منتشر کرد .

گرداند کتاب «المدینه» و کتاب «سیاست مدینه» و کتاب «میادی موجوده» همه نام يك كتاب اوست .

شادروان استاد لطفی جمعه دانشمند و نویسنده نامی مصری در کتاب تاریخ فلاسفه اسلام (۱) که بیشترش اقتباس از نوشته‌های استاد مونک است همین سخن را گوید و هر سه رساله را يك كتاب پندارد . این قفطی گوید که کتاب سیرت «مدینه فاضله» در مورد دانش مدنی تألیف شده و کتاب «سیاست مدینه» را در دانشهای الهی پرداخت . نقل می‌کنند که رساله «مدینه فاضله» ، «مدینه نادانی» ، «مدینه فحشاء» ، «مدینه تبدیل گشته» و «مدینه گمراهی» را «معلم دوم» در آغاز ورود به بغداد نوشت ، در سال سیصد و سی هجری رساله را به شام بردود آنجا نوشته را تجدید نظر کرد ، فصل‌هایی بر آن افزود ، این رساله را در سال سیصد و سی و یک هجری به پایان رساند .

بعضی از مردم از وی خواستند که موضوعات رساله را طبقه بندی کند تا نظریه‌های اجتماعی بهم آمیخته نشود و آنگاه نوشته را فصل بندی کرد ، بخش طبقه بندی اجتماع شهرستان‌ها را فصلی از رساله خود قرارداد و چنین نوشت و (سخن در تضاد مدینه فاضله) رساله «مدینه فاضله» در سیصد و سی و هفت هجری در مصر تکمیل شد .

این رساله نفیس بارها در شرق و غرب جهان چاپ و منتشر شده ، از بهترین چاپ آن چاپ پتریشی در لیدن در سال هشتصد و نود و پنج میلادی است . مقام علمی فارابی در علوم سیاسی و اجتماعی : شئون سیاسی و اجتماعی از روشن‌ترین مسائل فلسفه اجتماع است ، از آغاز پدیده‌های اجتماعی و طبقاتی با اندیشه‌های تابناک امثال سقراط و افلاطون تا زمان ما ظهور و بروزی دارد . فارابی در تحت تأثیر آن آراء و معتقدات سیاسی و اجتماعی قرار گرفت و باشو روذوق شرقی آن را گرفت و به تألیف رساله «مدینه فاضله» پرداخت . رساله «مدینه فاضله» مانند کتاب «جمهوریت» افلاطون است .

پدیده مدینه فاضله :

از روی نقشه نظام تن آدمی پدیده «مدینه فاضله» را کشیده اند و تشبیهی است افلاطونی .

۱ - تاریخ فلاسفه الاسلام فی المشرق و المغرب تألیف محمد لطفی جمعه

چاپ مصر ۱۳۴۵ هـ ۱۹۲۸ م .

همان گونه که اندام انسانی همه با هم در تهیه و ادامه زندگی بی یکدیگر کمک می کنند ، افراد جامعه هم سزاست که در راه خوشبختی و یاری هم کوشا شوند ، چون هدف از اجتماعها فراهم ساختن سعادت اجتماع است . همان جور که اعضاء بدن در نیرو از یکدیگر تفاوت دارند مثلا اعضایی که در کنار دل قرار دارند .

به طبیعت خود پیروی از قلب می نمایند ، همین قسم سایر اعضاء هر کدام در پی هم و پیرو هم کارشان را انجام می دهند تا آنجا که بعضی اعضاء و جوارح متناسب وظیفه و کاری بزرگ یا کوچک دارند ولی نقش رهبری و ریاست و حکومت بر سایر اعضاء بدن را همه ندارند اجتماعات همچنین است ، در روستا و شهرها وظیفه هر کس جداست ، کارگروهی از گروه دیگر حساس تر و مهم تر است ، همه افراد و جمعیتها به تناسب تشکیلات خود رئیس و رهبری دارند که نظارت بر ایشان دارند .

همه کوشش دارند و در تلاش هستند تا فرمانی که برعهده گرفته اند انجام دهند ، تفاوتی که اعضاء بدن با تشکیلات هیئت های اجتماع دارد این است که اعضاء آدمی کارش طبیعی و غریزی است غریزه آنها را و ادار می کند که خود بخود وظیفه ای که طبیعت بر ایشان ساخته است انجام دهند ولی اجتماعات بشری سروکارشان از روی اراده و شعور است ، از شرایط محیط و اجتماع است که هر فرد و جمعیتی وظیفه ای دارد ، از نظر فارابی شرط های دیگری هست از جمله آنها برانگیخته گان اجتماع از نیروی الهی و ما بعد الطبیعه بهره ور شوند ، نخست معرفت و شناخت او است ، چه چیزی جدا از ماده است ؟ آن چیز چیست می توان تعریف کرد ؟ انسان چه جور پیدا شد ؟

آدمی از نیروهای نفسانی چگونه بهره مند شود ؟

از «عقل فعال» چه بهره ها گیرد ؟

«عقل فعال» چه جور با انسان نورافشانی می کند تا بتواند از (معقولات و مجردات) استفاده نماید ؟ نخستین چیزی که در امور اجتماعی و فردی بشر دخالت دارد مسئله «اراده و اختیار» است .

به اجتماع خود چه حکومتی دارد ۱۹
 آیا به رهبر و پیشوای اجتماع چگونه الهام می رسد
 يك فرد از افراد جمعیت بشری چگونه برانگیخته و برگزیده می شود ۱۹
 يك فرد از برانگیخته اندك اندك بروز و ظهوری دارد ، پیشوا و رهبر
 جامعه می شود ، چگونه ۱۹
 پس از این فرد ، افراد قهرمان و بزرگی ممکن است در جامعه پدید
 آیند که جانشین برانگیخته گان گردند ، یعنی سرپرستی جمعیت بشری را
 عهده دار شوند .
 پس از ظهورشان مدینه فاضله و تشکیلاتش پدید آید و گروهی از افراد
 اجتماع بسوی شتابند و پیروی از مدینه فاضله کنند تا خوش بخت گردند .
 تمام افراد بشر نیاز به یكدیگر دارند .

ابونصر گوید :

جامعه های کامل بر سه نوع است .
 ۱ - اجتماع بزرگ که از اجتماع مردم شهرها و شهرستانها تشکیل
 می شود .
 ۲ - اجتماع میانه و متوسط که جزئی از افراد جمعیت در بخشهاست .
 ۳ - اجتماع کوچک جزئی از جمعیت دیه ها و روستاها است خوشبخت
 مردی که بسوی مدینه فاضله کشانده شود . دوره سعادت يك مملت وقتی پایان پذیرد
 که عمر افراد و اجتماع مدینه فاضله بسر آید و جمعیت دیگر که سرپیچی از برنامه
 مدینه فاضله کنند به نکتب و تیره بختی دچار شوند آنگاه حکومت و اجتماع تازه
 نفسی بر ایشان تسلط یابد .